

## چیستی و مولفه‌های اجتهاد از دیدگاه امامیه و اهل سنت

صالح حسن‌زاده<sup>۱</sup>

علی یوسفی هنومرور<sup>۲</sup>

زهرا قلیچ‌خانی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷، صفحه ۴۲ تا ۵۹ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

مسئله اجتهاد از آغاز پیدایش تاکنون، سیر پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. بی‌تردید اجتهاد نزد علمای اهل سنت از روند قابل قبولی برخوردار نبوده است و آنان سرانجام مرتکب اجتهاد به رأی شده و آنگاه به انسداد روی آورده‌اند. اما اجتهاد در مکتب شیعه به دلیل قبول خلافت بلافضل امیرالمومنین علی (ع) و بهره‌وری از مشکات فقه علوی، از قرن پنجم به بعد همیشه پویا و متحرک بوده و در نوآوری علمی بشر نقش بسزایی داشته است. عنصر اجتهاد موتور محرکی است که شریعت اسلام را، همگام با زمان، مکان، نیازها و سؤالات پیش می‌برد. این پژوهش، با روش توصیفی و تحلیلی به چیستی و مولفه‌های اجتهاد اشاره، و به بررسی تطبیقی آن در فقه امامیه و اهل سنت می‌پردازد. اجتهاد در امامیه اجتهاد بالمعنی الاعم است، یعنی استخراج و استنباط حکم فرعی از آیات و روایات با استفاده از تعقل. اما اجتهاد در اهل سنت، اجتهاد خاص و تفسیر به رأی است. این نگارش تصویر و تعریفی از اجتهاد را که مورد تایید معصومین است، ارائه و چهره واقعی اجتهاد سلفی را که ریشه در اجتهاد اهل سنت به‌ویژه اجتهاد حنبلی دارد، نشان می‌دهد. آنچه این پژوهش را متمایز می‌کند، بررسی تطبیقی چیستی اجتهاد و مولفه‌های آن از دیدگاه اهل سنت و امامیه است، زیرا در بسیاری از کتب و مقالات، صرفاً به دیدگاه‌های شیعه اکتفا شده و کمتر به مقایسه این دو مذهب در امر اجتهاد پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** اجتهاد، امامیه، اهل سنت، استنباط، تصویب، تخطئه.

۱. استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران: hasanzadeh@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران: aliusofi1372gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول):

sahebaman20@chmail.ir

## درآمد

اسلام دینی دائمی و ماندگار است و احکام آن تا روز قیامت بر مردم جاری است. اسلام از یک سو مظهر احکام الهی است و اطاعت از قوانین آن ضامن کمال انسان است؛ از سوی دیگر، زندگی انسان دستخوش دگرگونی است و مسائل جدید و مسائل نوظهور که در عصر ظهور نیست، هر روز در جامعه ظاهر می‌شود و قضاوت آن به وضوح و بدون ابهام وارد کتاب و سنت نمی‌شود. در چنین شرایطی، اهل سنت اجتهاد مبتنی بر استدلال، مقایسه و پذیرش را پاسخی به حکم شرعی در مورد حوادث و رویدادهای تازه پدید آمده می‌دانند. از سوی دیگر، شیعه معتقد است که قواعد اساسی، اصول و قواعد کلی مورد نیاز برای استنباط حکم شرعی برای حوادث نوظهور در کتاب و سنت نهفته است. آنچه در نام اجتهاد در اهل سنت به کار می‌رود، قضاوت از مبدأ نیست، بلکه تفسیر به رأی است. در دنیای امروز، جریانات سلفی راه افراط‌گرایی را در پیش گرفته‌اند و هر موضوعی را مشمول اجتهاد کرده‌اند، از جمله معیارها و احکام لازم برای اجتهاد. کتاب‌ها و مقالات زیادی در زمینه اجتهاد نوشته شده است، از جمله کتاب مبانی کلامی اجتهاد مهدی هادوی، مبانی اجتهاد و تاریخچه تحول آن را حسین عزیزی نوشته است. در این کتب، ادوار، نیازها و موانع اجتهاد بررسی شده است، اما آنچه این مقاله را از مقالات دیگر متمایز می‌کند، تحلیل تطبیقی اجتهاد و عناصر آن از نظر اهل سنت و امامیه است. دیدگاه‌های شیعه محدود و اندک است. این دو دین از نظر اجتهادی با هم مقایسه شده‌اند.

## طرح مسأله

از آن زمان که خداوند شریعت اسلام را به واسطه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم آخرین شریعت قرار داد نیاز به فراگیری و تعلیم اصول و فروع پدید آمد. براساس این نیاز، فرد مکلف است برای شناخت وظیفه خویش در امور مستحدثه تلاش کند. مسئله اجتهاد از آغاز پیدایش تاکنون، سیر پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. بی‌تردید اجتهاد نزد علمای اهل سنت از روند قابل قبولی برخوردار نبوده است و آنان سرانجام مرتکب اجتهاد به رأی شده و آنگاه به انسداد روی آورده‌اند. اما اجتهاد در مکتب شیعه به دلیل قبول خلافت بلافصل امیرالمومنین علیه السلام و بهره‌وری از مشکلات فقه علوی، از قرن پنجم به بعد همیشه پویا و متحرک بوده و در نوآوری علمی بشر نقش بسزایی داشته است و اجتهاد گفتمان ویژه‌ای است که با پیوند نظام‌وار میان چهار عنصر کتاب، سنت، عقل و اجماع به تولید و آفرینش احکام و قواعد زندگی و طبعاً زندگی شیعه می‌پردازد و لکن نوعی فرایند فکری است که با گذر از نظام معنایی ایجاد شده، احکام مشروع و الزام‌آوری برای زندگی تولید می‌نماید.

از نظر اهل سنت، حکم همه امور در کتاب خدا و سنت رسول الله تعیین نشده است و مسائلی در زندگی انسان به اصطلاح وجود دارد که اثری ندارد. به همین دلیل معتقدند مجتهد باید با اجتهاد شخصی و ذهنی خود در این گونه امور، مصالح، مفساد، استصحاب، اصطلاح و مواردی از این قبیل را در نظر بگیرد و برای آن مورد حکم کند و قانون خود را وضع کند ولی از قرن پنجم به بعد علمای شیعه در به کار بردن واژه اجتهاد متعصبانه عمل نکردند و با استفاده از احادیث ائمه علیهم السلام که بخش‌های مختلف فقه را پوشش می‌دهند، آن را به معنای عام به کار بردند. معنای رایج در میان صحابه در عصر معصوم و استفاده از آن در میان صحابه به همین صورت نشان می‌دهد که ائمه علیهم السلام این معنا را مناسب می‌دانستند. در این نوع فقه، فقیه با استفاده از اصول و روش‌های اصول منطقی و فقه، حکم شرع را از آیات، روایات و شواهد مختلف استنباط می‌کند. در واقع، وزن عقل در نزد مجتهد، وزن فهم ادله شرعی است نه اینکه در فتوا و تفسیر حکم تنها به عقل و برداشت شخصی خود تکیه کند.

### مفاهیم و پیش‌فرض‌ها

#### اجتهاد

اجتهاد مصدر از ریشه «تلاش» یا «تلاش» گرفته شده است؛ تلاش، استفاده از تمام توان و قدرت برای رسیدن به یک هدف است. و تلاش چیز کوچکی است که از طریق ذهن در زندگی اعمال می‌شود. (فرهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۸۶) اجتهاد از ریشه «جهد» گرفته شده و به معنای به کار بستن تمام توان و تلاش است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۳۵، جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۶۱) از مجموع لغات علما فهمیده می‌شود که اجتهاد به معنای صرف تمام توان و تلاش برای رسیدن به چیزی، تحمل سختی‌ها و سختی‌هاست؛ یعنی «تلاش» و «تلاش» برای هر چیزی قرینه دارد. به همین معنا و «تلاش» به معنای تلاش و «تلاش» به معنای سخت کوشی است. ر.ک: (ابویی مهریزی، ۱۳۸۸، ص ۲۶) اما به نظر نگارنده در معنای اجتهاد از نظر این دو ریشه تفاوت ظریفی وجود دارد و اینکه اجتهاد بنا به ریشه کوشش به معنای کوشش بسیار است و از نظر ریشه کوشش اندک و ناچیز.

#### امامیه

مقائس اللغة در فرهنگ لغت خود می‌گوید: «امام مقلد و هدایت کننده در امور است». (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۹) در اصطلاح امامیه می‌گویند به امامت دوازده امام از اهل بیت - علیهم السلام - گفته می‌شود. (کلانتر مرتضی ۱۴۰۵ ص ۲۶۴) امامیه نام گروهی از فرقه‌هایی است که به امامت نامحدود امیرالمومنین و اولاد او معتقدند. (مشکور، ۱۳۸۶، ص ۶۷)

## اهل سنت

اصطلاح «اهل سنت» از دو واژه «اهل» و «سنت» ترکیب شده است، در لغت اهل به معنای گروهی است که در امری از امور با هم شریک باشند و سنت به راه و روش نیکو و پسندیده اطلاق می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۸)

در اصطلاح شرعی، سنت به گفتار، رفتار و افعال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اطلاق می‌شود. بنا بر این معنا، هر کسی که از سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پیروی کند، اهل سنت محسوب می‌شود. اما در اصطلاح "اهل سنت" به گروهی از مسلمانان، گفته می‌شود که بنا به تبلیغ بعضی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خلافت و جانشینی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به اجماع اهل حل و عقد دانسته‌اند، از این رو به خلافت ابی بکر، عمر، عثمان و علی علیه السلام معتقد شده‌اند. (نوبختی، ۱۴۰۴، ص ۲)

## تخطئه

تخطئه مصدر باب تفعیل از ریشه‌ی «خطأ» در لغت به معنای نسبت دادن خطا به کسی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۶) و در اصطلاح، مکتبی است که طرفداران آن عقیده دارند مقررات شرع در هر مسئله‌ای، در واقع یکی است و استنباطات صاحب نظران در یک مسئله اگر برخلاف واقع هم باشد، مادامی که علم به خطای آن نداشته باشیم لازم الرعایه است. ولی امکان اینکه در پاره‌ای استنباطات خطا اتفاق افتد وجود دارد. (ولایی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲)

## تصویب

مصدر باب تفعیل در لغت به معنای «بدرستی رساندن چیزی به هدف» و «درست دانستن گفتار یا کردار یک شخص» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۳۴) در اصطلاح عبارت است از دیدگاهی که معتقد است در رویدادهایی که از سوی شارع دستوری نرسیده است، در واقع حکم معینی وجود ندارد که از آن جست‌جو شود؛ بلکه حکم، تابع ظن مجتهد است و آنچه مورد ظن مجتهد قرار گیرد، همان، حکم خداوند در حق او است. از این نوع تصویب به (تصویب اشعری) تعبیر می‌شود؛ اما (تصویب معتزلی) می‌گوید: حکم در واقع ثابت است؛ لیکن در صورت ظن مجتهد به خلاف آن، در مظنون مجتهد مصلحتی غالب بر مصلحت واقعی جعل می‌شود که مصلحت واقعی را برمی‌دارد. (حکیم، ۱۴۱۸، ص ۶۱۷)

فرق تصویب اشعری با تصویب معتزلی در این است که در تصویب اشعری هیچ حکم واقعی از سوی شارع تشریح نشده است و هر حکمی که مجتهد به آن دست یابد حکم واقعی خواهد بود اما

طبق تصویب معتزلی تشریح حکم واقعی از سوی شارع ثابت است ولی اگر مجتهد به حکمی مغایر با آن برسد حکم واقعی، تغییر می‌یابد.

### چیستی اجتهاد

امامیه تعاریف مختلفی برای اجتهاد ذکر کرده است: صاحب جواهر اجتهاد را تلاشی برای دلیل و برهان احکام شرعی می‌داند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۸۹) شیخ بهایی در «زبدۃ الاصول» می‌گوید: «اجتهاد امر بالفعل یا بالقوه نزدیک به واقعیت است که می‌توان حکم شرعی را از اصل فقه تفسیر کرد» (شیخ بهایی، ۱۴۲۳، ص ۱۱۵).

با توجه به این دو تعریف، اجتهاد استنباط و استنباط حکم شرعی است، اما در تعریف اول اجتهاد نوعی تلاش است، در حالی که در تعریف دوم، اجتهاد ملکه‌ای است که شرعی به او حکم می‌کند. قابل بکارگیری است. استخراج شده است

اهل سنت نیز تعاریف مختلفی از اجتهاد بیان کرده‌اند: اجتهاد از نظر فهر رازی به معنای «به کار بردن تمام قوا برای رسیدن به مقصود» است. و این استعداد و کوشش باید به گونه‌ای باشد که مجتهد اگر خلاف آن ثابت شود، خود را محکوم نکند» (فخرزی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۷). غزالی اجتهاد را استفاده از تمام توان برای رسیدن به هدف و در نتیجه ناتوانی مجتهد در تلاش بیشتر می‌داند. (غزالی ۱۴۱۳ ج ۱ ص ۳۴۲) زرکشی در تعریف اجتهاد می‌گوید: «استفاده از زور برای رسیدن به حکم شرعی عملی». (زرکشی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۴۸۸) آمدی در کتاب الاحکام فی اصول الاحکام می‌گوید: «اجتهاد به کار بردن تمام توان انسان برای رسیدن به اعتقادی است که بر شریعت مسلط است به حدی که احساس ناتوانی کامل و کامل کند». (آمدی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۶۹)

براساس آنچه ذکر شد تعریف اول و دوم تقریباً مفاد واحدی دارند. تعریف سوم همان تعریف امامیه از اجتهاد است. طبق تعریف چهارم کار مجتهد فقط به دست آوردن ظن غالب است و هرگز به قطع نمی‌رسد.

### گونه‌شناسی اجتهاد از دیدگاه امامیه

قبل از تبیین انواع اجتهاد باید توضیح داد که اجتهاد در نزد امامیه به چه معناست، زیرا این کلمه قبل از قرن پنجم به معنای قیاس و اجتهاد به کار می‌رفته است و معنایی دارد که به معنای منفور، مردود و مطرود است. انکار استفاده علمای شیعه از اجتهاد تا زمان محقق حلی ناظر این تعریف اجتهاد است، لذا تا آن زمان علمای شیعه در کتب خود به ابطال و رد قسمت اجتهاد می‌نوشتند، اما به تدریج این کلمه ظاهر شد. استفاده کنید. (حلی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۷)

از قرن پنجم به بعد علمای شیعه در به کار بردن واژه اجتهاد متعصبانه عمل نکردند و با استفاده از احادیث ائمه علیهم السلام که بخش‌های مختلف فقه را پوشش می‌دهند، آن را به معنای عام به کار بردند. معنای رایج در میان صحابه در عصر معصوم و استفاده از آن در میان صحابه به همین صورت نشان می‌دهد که ائمه علیهم السلام این معنا را مناسب می‌دانستند. در این نوع فقه، فقیه با استفاده از اصول و روش‌های اصول منطق و فقه، حکم شرع را از آیات، روایات و شواهد مختلف استنباط می‌کند. در واقع، وزن عقل در نزد مجتهد، وزن فهم ادله شرعی است نه اینکه در فتوا و تفسیر حکم تنها به عقل و برداشت شخصی خود تکیه کند. یادداشت: (پژوهشگر حلی، ۱۳۶۱، صص ۱۷۹-۱۸۰) ناگفته نماند که اجتهاد به هیچ وجه در اصول دین پذیرفته نیست و همه علمای امامیه بر این موضوع اتفاق نظر دارند. (حلی، ۱۳۶۵، ص ۱) بنابراین آنچه در مورد انواع اجتهاد گفته می‌شود، مربوط به احکام و مسائل عملی است. اما اجتهاد در امور واجب و بدیهی مانند نماز، روزه، حج، جهاد، هوموس و زکات و در فروع اصلی دین جایز نیست. (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴) بخشهای اجتهاد همراه با توضیحاتی که در ادامه می‌آید ذکر شده است.

اجتهاد از حیث سند مجتهد و نه استنباط بر دو قسم است:

الف) اجتهاد احتمالی: مجتهد توانایی استنباط احکام شرعی را دارد، اما در عمل استنباط چندانی ندارد یا اصلاً استنباط نمی‌کند.

ب) اجتهاد بالفعل: اجتهادی است که مجتهد در عمل و قوه استدلال خود قضاوت‌های فراوانی کرده است. (خویی ۱۴۱۸ ص ۲۸)

در طبقه‌بندی اجتهاد بر اساس اعتبار استدلال در همه یا برخی از سوره‌های فقهی، این دو قسم است: الف) اجتهاد مطلق: قدرت استدلال در تمام اجزاء علم فقه است.

ب) اجتهاد غیر مطلق (تقسیم در اجتهاد): قدرت و کوشش برای استنباط برخی از احکام. (هراسانی ۱۴۱۷ ص ۴۶۴)

اکثر اصولگرایان معتقد به غیر اجتهاد مطلق هستند و می‌گویند: در اجتهاد، جدایی را می‌توان تعبیر کرد، حتی اگر اجتهاد را به وزیر شهبانی بفهمند؛ زیرا قوت و ضعف در قوت و ویژگی‌های روحیه انسان است. ر.ک: (حسینی، ۱۴۱۷، ص ۴۴۱)

صاحب کفی (ره) علاوه بر امکان تحلیل، آن را لازم دانسته و معتقد است که بخش‌های مختلف فقه و ادله عقلی و نقلی از نظر سهولت و دشواری استدلال با یکدیگر تفاوت دارند. او فردی است که از نظر علم و مهارت در فقه با یکدیگر متفاوت است که استنباط در برخی مسائل را آسان و در برخی دیگر مشکل می‌کند و قطعاً فردی کم‌قدرت است. استنتاج به راحتی می‌تواند مشکل ایجاد

کند. او مدعی است که اساساً رسیدن به اجتهاد مطلق، شناخت تقسیم اجتهاد غیرممکن است. ر.ک: (هراسانی، ۱۴۱۷، ص ۴۴۶-۴۴۷)

علاوه بر بخشهای ذکر شده، انواع دیگری از اجتهاد وجود دارد:

الف) اجتهاد نظری: در پی شناخت اصول و مبانی علم و اعتقاد است. این نوع اجتهاد در میان اهل سنت نیز رایج است و مربوط به اجتهاد پذیرش اصول ایمان و شناخت زمین و ملائکه و دیگر اصول دینی است.

ب) اجتهاد کاربردی: از نوع اجتهاد است که بدانند آنچه مکلف انجام می دهد مطابق با دستور است یا خیر.

ج) اجتهاد اصولی: اجتهادی است که برای شناخت دلیل و دلیل به کار می رود و مقصود از آن کسب دلیل و دلیل و دلیل فقط در مورد احکام شرعی حوادث و حوادث جدید است.

د) اجتهاد فقهی: مهمترین نوع اجتهاد برای شناخت حکم شرعی از طریق منابع اصلی استنباط و منابع معتبر شرعی و استخراج مسائل فقهی از متون و جهات کتاب است. و قوانین عقلی حاکم بر عناصر سنت و فقه.

ه) اجتهاد فرعی و تطبیقی: اجتهادی است که برای تعیین فروع و مصادیق آن و ارتباط آن با اصول و قواعد کلی عقیده به کار می رود. ر.ک: (جتی، ۱۳۸۵، صص ۸۷-۸۸)

### شروط اجتهاد از دیدگاه امامیه

شرایط اجتهاد بر دو قسم است:

اول شرایط تحقق اصل فقه. این شرایط عبارتند از:

- آشنایی با ادبیات عرب تا حدی که مجتهد به جهات ادله و منابع اصلی استنباط که اولی کتاب خدا و دومی سنت رسول الله است پی ببرد.

- آشنایی با اصول علم حقوق

او به اندازه ای که می تواند روایات اسناد را شناسایی کند با علوم انسانی آشنا است.

- اطلاع از آراء و نظرات مجتهدان قبلی

- بررسی فتاوی عامه

- تسلط بر تفسیر قرآن که حداقل شامل آیات احکام، عام و خاص، مطلق و الزام آور، جامع و واضح، قطعی و متشابه، منسوخ و منسوخ باشد.

- احادیث کافی

ثانیاً شرایط مطلوبیت اجتهاد به ویژه در حکومت اسلامی.

- این شرایط بر دو قسم است: شرایط مربوط به مرحله قبل از استنباط و شرایط مربوط به استنباط.
- الف) شرایط مرحله پیش استخراج. شامل:
- درک عمیق مبانی شرع و رویه قضایی
  - شناخت جهان بینی شرعی
  - روح شرع را بر اساس آسانی و گذشت درک کند.
  - درک واقعیات زمان و اشیاء خارجی با تمام خصوصیات و شرایط آنها.
  - توانایی پایبندی به حقایق و آسیب پذیری در برابر تأثیرات ذهنی و بیرونی ناشی از پیشنهادات نادرست، اعتراضات بی دلیل و وسوسه های غیر ضروری.
  - توانایی تجزیه و تحلیل موارد و ابعاد آنها
  - آگاهی از وضعیت جامعه ای که در آن زندگی می کنند
  - دانستن موضوعات
  - نفوذ پذیری آراء و فتاوی بزرگان پیشین
  - کوته بینی و عدم سطحی نگری
  - آینده نگری
  - نداشتن تعصبات ذهنی
  - جرأت گفتن حقیقت را داشته باشد و در برابر اعتراض، وسوسه و دلالت افراد ناآگاه یا متعصب به موازین قانونی اجتهاد آسیب پذیر نباشد.
  - آسیب پذیری در برابر آداب و رسوم نادرست محیطی و اجتماعی
  - نارضایتی از ظاهر کلمات وارد شده در متون
  - تعصب نداشتن
  - شناخت نیازهای جامعه در ابعاد علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، هنری و روابط بین الملل
  - علاقه لازم و کافی به علم در هر عصر و هر عصری
  - درک شرایط زمانی و مکانی برای بررسی موضوع و معیارهای تصمیم گیری
  - پیچیدگی علمی در موضوعات مختلف اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی و دولتی
  - داشتن مدیریت و بصیرت صحیح، حسن نیت، هوشمندی و هوش ویژه در مواجهه با حوادث
  - تقوی و اخلاق بالا
  - اجتناب از تبلیغات
- ب) شرایط استنباط. شامل موارد زیر است:



- رعایت منابع معتبر و استنادهای معتبر و پرهیز از منابع غیر معتبر
- همه تعصبات
- پرهیز از مبالغه در استنباط
- به نتایج فتوا توجه کنید
- توجه به قانون مهم و مهم و قانون مبارزه با فساد اداری
- جلوگیری از رکود و تحجر. ر.ک: (Cenâti، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵-۲۱۶)

#### نظریه تخطئه

طبق آموزه های شیعه، در واقع یک رزق شرعی وجود دارد به این معنا که خداوند برای هر امری در لوح محفوظ روزی دارد که بین عالم و جاهل و مجتهد مشترک است، آن را کشف و به آن دست یابید. حال این اصول و دستورات یا او را به احکام واقعی می رساند که در این صورت احکام اولیه برای او تأیید و تأیید می شود یا این اصول و دستورات او را به خطا نمی کشاند و به احکام واقعی نمی رساند. در این صورت او تمایل بیشتری به ترک خواهد داشت. ماموریت های واقعی معذورند نه عقاب. این نوع تفکر در نظریه و مبانی شریعت امامیه به عنوان اشتباه شناخته می شود و به کسانی که این نظریه را می گویند اشتباه می گویند. ر.ک: (خویی، ۱۴۱۸، ص ۳۶-۴۰)

بر اساس این نظریه، قضاوت واقعی تابع نظر مجتهد نیست، اما نظر مجتهد ممکن است صحیح باشد یا نباشد. این قول از روایات است که «وقتی حاکم شد و اجتهاد کرد و به حق رسید، دو ثواب دارد و اگر خطا کند و به حق نرسد، ثواب دارد». و سایر شایعات که تواتر معنوی دارند حذف می شود. (ابن طاووس، ۱۳۷۴، ص ۳۶۰)

#### فرق شارح و مجتهد از دیدگاه امامیه

از نظر امامیه، شارح به معنای وضع کننده شریعت و وضع قانون است و از این جهت، شارع الله تعالی است. قرآن می فرماید: «ما شما را به شریعت و شریعت فریب ندادیم، ما برای هر یک از شما دین و شریعت و راهی روشن قرار دادیم». (مائده/۴۸) شارح بودن پیامبر اشکالی ندارد. ر.ک: (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ص ۵۳۶) زیرا قرآن می فرماید: «و ما اتکم الرسول فخصوا و لا حکم فانتهاوا؛ آنچه را که پیامبر برای شما آورده است انجام دهید و از آنچه مانع شما می شود پرهیزید». (حشر/۷).  
فاضل بن یسار می گوید:

از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که به قیس مصر فرمود: خداوند نماز را دو رکعت و همیشه دو رکعت قرار داد و رسول خدا (ص) دو رکعت بر نماز ظهر و عصر و عصر افزود. یک رکعت به نماز عصر، و این نیز مانند فرّ الهی، فراد بود و ترک آنها جز در سفر جایز نبود، و یک رکعت به شام اضافه کرد و در سفر در جای خود گذاشت. و قبله، و خداوند همه این ترتیبات را حلال کرد. - من اکریم، نافله را سی و چهار رکعت و دو فرده واجب کرد، و خداوند این را هم حلال کرد. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸۴۳)

### گونه‌شناسی اجتهاد از دیدگاه اهل سنت

از نظر اهل سنت، حکم همه امور در کتاب خدا و سنت رسول الله تعیین نشده است و مسائلی در زندگی انسان به اصطلاح وجود دارد که اثری ندارد. به همین دلیل معتقدند مجتهد باید با اجتهاد شخصی و ذهنی خود در این گونه امور، مصالح، مفاسد، استصحاب، اصطلاح و مواردی از این قبیل را در نظر بگیرد و برای آن مورد حکم کند و قانون خود را وضع کند. در واقع این نوع اجتهاد نوعی عملیات عقلانی و عقلایی است که در آن دیدگاه شخصی مجتهد یکی از منابع فقهی می شود که مصداق بارز قیاس است. ر.ک: (قاضی، ۱۳۹۰، ص ۳۸۵) به عبارت دیگر، اهل سنت معتقدند که اگر متن قرآن، سنت پیامبر و اجماع امت در واقعه ای وجود نداشته باشد، آن مکان محل اجتهاد اندیشه و اندیشه است. (جانشین، ۱۳۵۱، ص ۹)

می‌گویند منظور از اجتهاد نزد اهل سنت، اجتهاد به معنای خاص است. و انواع آن عبارتند از: الف) اجتهاد مستقل: اجتهادی است که مجتهد با تکیه بر منابع و معانی خاص خود، از هیچ مجتهدی تبعیت نمی کند، مستقلاً استنباط می کند و احکام فرعی را به احکام اصلی تبدیل می کند. در این نوع اجتهاد، هر مجتهدی قواعد و روشهای خاصی را برای استنباط وضع می کند و اکثر آنها فقه و اصول را از طریق ادله می دانند و سران مذاهب اربعه اهل سنت در اجتهاد خود این گونه عمل می کردند. به این گونه اجتهادها در شریعت اجتهاد و اجتهاد مطلق نیز گفته می شود. ب) اجتهاد نیمه مستقل: در این نوع اجتهاد، مجتهد دارای شرایط اجتهاد است، اما منابع مشخص و مستقلی ندارد، لذا بر اساس معیارها و اصول مجتهد پیش از خود استنباط می کند. و گاه به دلیل قدرت بر عزل خود، با نص امام، که همان شاخه بندی و برگرداندن فروع جدید به اصول اولیه و تطبیق قواعد کلی در مصداق خارجی است، مخالفت می کند. نام دیگر این اجتهاد، اجتهاد مطلق منسوب به پیروان سران مذاهب اربعه اهل سنت است.

ج) اجتهاد الزام آور: اجتهاد درون دینی است که مجتهد با رعایت اصول و تدابیر استنباطی امام شرعی به آن می پردازد و با فتوا دادن پیشوای او به اختصار آن را تفسیر می کند. یا یکی از دو راه. در مواردی که رهبر دین فتوا نمی دهد، فتوا می دهد.

د) ترجیحاً اجتهاد: در این نوع اجتهاد، مجتهد از ادله پیشینیان و نیز نظرات آنان آگاه است و از اجتهاد آنان پیروی می کند، اما این توانایی را دارد که با بررسی و ارزیابی آراء و نظرات مختلف، محکم ترین آنها را بیابد. اقوال و احادیث مختلف و روایت و صحیح ترین کلمه را پیدا می کند یا نزدیک ترین آنها را به سنت یا قیاس صحیح می یابد یا مناسب ترین آنها را برای مردم می یابد و آنها را بر دیگران ترجیح می دهد. به این نوع اجتهاد، اجتهاد تمایز و ارزیابی نیز گفته می شود.

ه) اجتهاد در فتوا: اجتهاد مجتهدی است که فتوا و نظر ولی فقیه را حفظ کرده، قوی را از قوی تشخیص دهد و فتوای ضعیف را بر ضعیف ترجیح داده، ولی نمی تواند بیان کند. استدلال به روشی خوب ر.ک: (جتی، ۱۳۹۵، صص ۸۸-۹۰)

#### شروط اجتهاد از دیدگاه اهل سنت

- علم به پانصد آیه در مسائل فقهی؛ دانستن نیاز به حفظ و حفظ.
- آشنایی با سنت
- آشنایی و آگاهی از روش توسل به منابع حدیثی؛ برای این کار، داشتن نسخه معتبر از پیکر ابوداود یا بیهکی ضروری است. ذخیره آنها ضروری نیست.
- آشنایی نسبی به قضایای اجمه و مفاد فقهی برای عدم عدول از قوانین مربوطه، در صورتی که شخصی چنین آگاهی را نداشته باشد، در هر صورت باید اطمینان حاصل کند که حکم اجتهادی به دست آمده با دیدگاه ها مغایرت ندارد. از وکلای بزرگ
- آشنایی با اصول حقوقی
- آگاهی از شرایط زندگی مردم (جامعه شناسی)
- آگاهی از اهداف و مقاصد شریعت
- اطلاعاتی در مورد روشهایی که از متون فقهی می توان دلیل قضاوت را به دست آورد.
- آشنایی با زبان عربی؛ آشنایی کامل با قواعد زبان عربی الزامی نیست.
- مجتهد برای آگاهی از مفاد عقیده نسخ، نیازی به دانستن تمام جزئیات نظریات ندارد، بلکه کافی است بداند آیه مورد بحث نسخ است یا خیر.
- توانایی ارزیابی احادیث و سنجش اعتبار آنها. دانش کامل علوم انسانی لازم نیست. ر.ک: (غزالی، ۱۴۱۴، صص ۳۵۰-۳۵۴)

## نظریه تصویب

تصویب به این معناست که رأی و فتوای مجتهد نسبت به بیان حکم شرعی موضوعات هیچ‌گاه به خطا نمی‌رود و همیشه مطابق حکم واقعی است. اشاعره و معتزله دیدگاه‌های متفاوتی درباره حکم واقعی دارند. در انتساب تصویب به معتزله جای تردید وجود دارد هر چند که گروهی از معتزله همانند اشاعره قائل‌اند که خدا در عالم واقع حکمی ندارد. به هر حال به معتزله نسبت داده شده که آنان معتقدند خداوند در عالم واقع و لوح محفوظ احکام واقعی دارد. ولی این احکام انشائی هستند و فعلیتی ندارند به همین دلیل مجتهد بر اساس مؤدای آماره و اصول به هر حکمی دست یابد، حکم واقعی هم به مقتضای همان حکم به دست آمده تغییر می‌کند. و حکم واقعی همان می‌شود که امارات و اصول بر آن دلالت دارند. در واقع در حکم واقعی خداوند که در لوح محفوظ است، انقلاب به وجود می‌آید و حکم واقعی مرتفع می‌شود. نک: (خضری، ۱۳۸۹، ص ۳۳۶)

جمهور فقیهان و متکلمان اشعری اهل سنت نظیر ابوالحسن اشعری و قاضی باقلانی معتقدند حکم خداوند تابع ظن مجتهد است زیرا در لوح محفوظ هیچ حکمی وجود ندارد؛ بلکه حکم خدا همان چیزی است که آراء صاحب‌نظران بر اساس آماره و اصول بر آن مستقر می‌گردد. طبق این نظریه، در حقیقت قانون‌گذاری الهی به بشر سپرده شده است. به تعبیر دیگر خداوند به بشر این اختیار را داده است که به صلاح و مصلحت خویش احکام را تشریح کند و هر حکمی را وضع کرد به خدا نسبت دهد، دقیقاً همان کاری که مکتب لیبرالیسم غربی می‌کند با این تفاوت که در این مکتب در امر تقنین، بشر به جای خدا قرار می‌گیرد، و احکام به خدا منتسب نمی‌شود. اهل سنت معتقدند که مجتهدان و قانون‌گذاران بشری هیچ‌گاه خطا نمی‌کنند و محصول فکری آنان عیناً، احکام الهی است. (محقق داماد، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲) نتیجه قول به تصویب این است که هر مجتهدی در هر زمانی به هر حکمی دست پیدا کرد آن حکم مصیب است به این معنا که آراء متعدد در یک واقعه، همگی درست و لازم العمل هستند. این روش از طرف ائمه علیهم السلام مورد نکوهش قرار گرفته است، امیرالمؤمنین علیه السلام با اشاره به روش برخی صحابه که همه نظریات مخالف با هم در باره یک موضوع را بر حق دانسته و همه آنها را حکم الهی می‌شمردند، می‌فرماید: «حکم الهی در هر قضیه یکی بیش نیست.» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۸۴)

## فرق شارع و مجتهد از دیدگاه اهل سنت

در نگاه اهل سنت مجتهد اخص از مفتی است و به کسی گفته می‌شود که ملکه اجتهاد و قدرت استنباط حکم شرعی را دارا باشد. نک: (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۷۶۲)

هر چند با چنین تعریفی مجتهد غیر از شارع است. ولی یکی از لوازم اجتهاد خاص مورد قبول اهل سنت، یکی بودن مجتهد و شارع است. چرا که با پذیرش اجتهاد خاص، مجتهد حق تشریح و تقنین حکم را خواهد داشت. زیرا اجتهاد در نظر آنان عبارت است از تفسیر به رأی و هر رأیی که مجتهد می‌دهد طبق نظریه تصویب، مصیب و همان حکم واقعی است.

### تطبیق دیدگاه امامیه و اهل سنت

بعد از ذکر گونه‌های اجتهاد، شرایط دخیل در اجتهاد، نظرات در باب حکم واقعی و فرق شارع و مجتهد از دیدگاه امامیه و اهل سنت به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو دیدگاه می‌پردازیم.

### شباهت‌های دو دیدگاه

بین امامیه و اهل سنت در باب اجتهاد شباهت‌هایی وجود دارد از جمله:

۱. اشتراک در مشروعیت اصل اجتهاد (رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۴۹) یعنی هم امامیه و هم اهل سنت مسئله اجتهاد را در امور فرعی و فقهی قبول دارند، اما هر کدام تفسیری متفاوت از آن ارائه می‌دهند. امامیه در مسائل نوظهور، با به کارگیری عقل حکم مسئله پیش آمده را از قرآن و سنت استخراج و استنباط می‌کنند. اهل سنت هم با به کارگیری قیاس و استحسان با تأکید بر آراء و نظرات شخصی خودشان فتوا می‌دهند.

۲. اصطلاحات خاصه اهل سنت در اجتهاد (اجتهاد در ترجیح، اجتهاد در فتوا، اجتهاد مقید، مستقل و غیر مستقل) اگر چه در نزد فقهای امامیه به کار گرفته نشده ولی امامیه با واقع اینها نیز مخالف نیست زیرا همه اینها در عالمان و فقیهان امامیه نیز وجود دارد.

۳. همچنین علمای امامیه و اهل سنت در اصطلاح اجتهاد مطلق و متجزی اشتراک دارند. (جناتی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹)

۴. امامیه و اهل سنت در وجود اجتهاد نظری که به معنای تلاش و کوشش در جهت شناخت اصول و مبانی معرفتی و اعتقادی است، اشتراک دارند. (جناتی، ۱۳۸۶، ص ۸۸)

### تفاوت‌های دو دیدگاه

اجتهاد از نظر اهل سنت با اجتهاد از نظر امامیه فرق‌هایی دارد از جمله:

۱. از نگاه اهل سنت، مسلمانان بعد از رحلت پیامبر با این سؤال مواجه شدند که در مسائل نوظهور عبادی، سیاسی، قضایی، جنگ و صلح و... در صورتی که نص روشنی در کتاب خدا و سنت پیامبر نیافتند، چکار کنند و چگونه حکم شرعی آن را به دست آورند. در این موارد خلیفه بر اساس مشورت با صاحبان رأی و خرد و فقهای امت اجتهاد می‌کرد. فقهای

امامیه بر خلاف اهل سنت، معتقدند که هیچ مسئله‌ای از مسائل مربوط به زندگی انسان، از فردی، اجتماعی، حقوقی، جزایی، سیاسی و اقتصادی، در زمان حال و آینده، وجود ندارد و نخواهد داشت؛ مگر اینکه در شریعت آسمانی از جانب خداوند علیم و حکیم، حکمی برای آن مقرر شده است؛ اجتهاد در این مفهوم به معنای استنباط حکم از کتاب و سنت است. (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۰۲)

۲. اجتهاد در نظر اهل سنت در نهاد خود به میزان وسیعی بر غیر نصوص (در حقیقت به رأی و نظر اهل اجتهاد) استوار است. اجتهاد نزد مالکیه، حنفیه و حنابله بر مبنای مصلحت است، غزالی و شاطبی بیشترین تلاش را برای به نظم آوردن چنین اجتهادی انجام داده‌اند. (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۰۳) شافعی اجتهاد را مرادف قیاس، بلکه با قیاس یکی می‌داند و در رساله خویش می‌نویسد: «قیاس و اجتهاد، دو اسم برای یک معنا است.» (شافعی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵) این معنا از اجتهاد در مذهب امامیه، مفهوم منفور و مردود دارد در اصطلاح فقهای امامیه اجتهاد به این معنی نیست که کسی در مقابل خدا و رسول اظهار نظری در مسائل عملی نموده و از پیش خود، رأیی داده و حکمی جعل کند، بلکه به این معناست که حکم خدا را از کتاب (کلام خدا)، سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه هدی علیهم السلام، دلیل عقل و اجماع استنباط نماید. بنابراین اجتهاد در منطق شیعه به معنای قانون‌گذاری نیست بلکه به معنای جستجوی قانون و استکشاف آن از مطاوی مدارک مخصوص است. نک: (ضیاء آبادی، ۱۳۷۴، ص ۴۴-۴۵)

۳. منظور اصلی از اجتهاد به معنایی که در فقه امامیه به کار می‌رود، به دست آوردن حکم خداوند است. اصل در این اجتهاد این است که تا علم پیدا نکنیم که حکم خدا چیست و او به چه چیز فرمان داده و از چه چیز نهی کرده، نمی‌توانیم آن را به خداوند نسبت دهیم. و چنین نسبتی مصداق افتراء بر خداوند به حساب می‌آید امامیه عقل را صرفاً در فهم مراد نصوص و نقد تاریخی سند آنها به کار می‌برد. اما اهل سنت قیاس، سدذرایع و استحسان را روش‌های مناسبی برای به دست آوردن احکام الهی می‌دانند. و چیزی را که حاصل رأی و نظر بشر است به خداوند نسبت داده و به آن جنبه الوهیت می‌دهند.

۴. هم‌چنین امامیه برخلاف اهل سنت، اجتهاد اهل شورا، اهل حل و عقد و حکام در امور قضایی، حقوقی، لشکری، سیاسی و اجتماعی و اجماع فی حد نفسه (آن‌گونه که در نظریه اهل سنت درباره اجتهاد و اجماع وجود دارد) را کاشف از حکم الهی نمی‌دانند بلکه آن را حکم و رأی بشر تلقی می‌کنند.

۵. بر اساس اجتهاد شیعه ما موظف‌ایم که حکم خداوند را از طریق مطمئن علمی که عمدتاً نص است به دست آوریم. و به کمک آنها به زندگی خود جهت دهیم و آنها را در زندگی خود پیاده کنیم. اما در جایی که حکم خدا از طرق مطمئن ثابت نشد و جای احتیاط هم نبود، به اصل برائت تمسک می‌کنیم و خود را در دایره رخصت از تکلیف الهی درمی‌یابیم. حال آن‌که وظیفه اهل سنت تشخیص حکم بایسته بر اساس مشابَهت در نوع با احکام منصوص، ملائمت با مصلحت عالیّه مسلمین در جان، مال، دین، عقل و سدذرایع و دفع مفسده است. (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۱۱-۴۱۲)

۶. یکی از شرایط اجتهاد شیعه اثنی‌عشری توجه به مقتضیات زمان و مکان در استنباط احکام است؛ حال آنکه چنین شرطی در اجتهادات اهل سنت معنایی ندارد بلکه برعکس احمدبن حنبل پیشوای مذهب حنبلی همه موارد را با زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قیاس می‌کرد.

۷. از نظر امامیه برای هر واقعه‌ای در نزد خدا حکمی وجود دارد؛ و مجتهد گاهی از طرق یقین‌آور به آن حکم دست می‌یابد و گاهی در دست‌یابی به حکم به خطا می‌رود. اما از نظر اهل سنت یا حکم واقعی وجود ندارد یا اگر وجود هم داشته باشد به مقتضای حکم به دست آمده توسط مجتهد قابل تغییر است.

۸. طبق نظر امامیه فقیه، مجتهد و مفتی تقریباً به یک معنا هستند و شارع غیر از این‌ها است. اما از نظر اهل سنت اگرچه فقط خداوند شارع محسوب می‌شود ولی این سخن فقط در لفظ است؛ زیرا مجتهدی که تفسیر به رأی کند در واقع تشریح و قانون‌گذاری کرده است. هم‌چنین اهل سنت مجتهد را اخص از مفتی می‌دانند.

۹. اجتهاد در امامیه مطلق استخراج و استنباط احکام از منابع و ادله است بدون هیچ‌گونه قیدی؛ حال آن‌که اجتهاد در اهل سنت در راستای مذهب فقهی هر مجتهد و دست‌یابی به نظر رئیس مذهب است.

## نتیجه

از آن زمان که خداوند شریعت اسلام را به واسطه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم آخرین شریعت قرار داد نیاز به فراگیری و تعلیم اصول و فروع پدید آمد. براساس این نیاز، فرد مکلف است برای شناخت وظیفه خویش در امور مستحدثه تلاش کند. مسئله اجتهاد از آغاز پیدایش تائکون، سیر پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. بی‌تردید اجتهاد نزد علمای اهل سنت از روند قابل قبولی برخوردار نبوده است و آنان سرانجام مرتکب اجتهاد به رأی شده و آنگاه به انسداد روی آورده‌اند.

اما اجتهاد در مکتب شیعه به دلیل قبول خلافت بلافصل امیرالمومنین علیه السلام و بهره‌وری از مشکلات فقه علوی، از قرن پنجم به بعد همیشه پویا و متحرک بوده و در نوآوری علمی بشر نقش بسزایی داشته است. در اجتهادات صورت گرفته بین اصولیون امامیه، اگر چه آراء و نظرات متفاوت است اما همه بر وحدت حق و وجود حکم معین در لوح محفوظ اتفاق نظر دارند با این توضیح که اگر حکم استخراج شده مطابق با حکم واقعی باشد باید به همان عمل شود و اگر مطابق با حکم واقعی نباشد نهایتاً مجتهد و به تبع مقلدین معذور هستند. در حالی که اهل سنت هر اجتهادی (و لو متفاوت) را مصیب می‌دانند. اهل سنت در احکام فقهی فقط در حوزه مذهب‌شان اجتهاد می‌کنند و نظر رئیس مذهب‌شان را به دست می‌آورند. اما شیعه هیچ قیدی را در اجتهاد احکام فقهی نمی‌پذیرد بلکه حکم خدا را از ادله به دست می‌آورد.

### منابع

۱. آمدی، علی بن محمد (۱۳۸۷ش)، *الإحكام فی اصول الأحكام*، قم: نشر الکترونیکی،
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۴ش)، *الطرائف*، مترجم: داود الهامی، قم: نوید اسلام.
۳. ابن فارس، احمد ابن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: حوزه علمیه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، محقق: احمد فارس، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۵. ابویی مهریزی، حسین (۱۳۸۸ش)، *بررسی عوامل پویایی و رکود فقه و اجتهاد در مکتب امامیه*، یزد، دانشگاه یزد.
۶. احمدی، محمد امین (۱۳۸۶ش)، *انتظار بشر از دین*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۶ش)، *تطور اجتهاد در حوزه استنباط*، تهران: نشر امیر کبیر.
۸. حکیم، محمد تقی (۱۳۹۰ش)، *الاصول العامه للفقہ المقارن*، قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب.
۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۵ش)، *الباب الحادی عشر*، تهران: موسسه مطالعات اسلامی.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۴ق)، *مبادی الوصول إلى علم الاصول*، محقق: محمد علی بقال، قم: المطبعة العلمیه.
۱۱. خراسانی، محمد (۱۴۱۷ق)، *کفایة الاصول*، قم: موسسه آل البيت لإحياء التراث.
۱۲. خضری، محمد (۱۳۸۹ش)، *اصول الفقه*، مصر: مکتبه التجاریه الکبری.
۱۳. خلاف، عبدالوهاب (۱۳۵۱ش)، *مصادر التشريع الاسلامی فیما لا نص فیہ*، کویت: دارالقلم.
۱۴. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، *فقه الشیعه*، قم: چاپخانه نو ظهور.



۱۵. رحیمی، مرتضی (۱۳۸۹ش)، *تطور اجتهاد، دو فصلنامه علمی-تخصصی علامه*، سال دهم، شماره ۲۹.
۱۶. زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۲۱ق)، *البحر المحيط فی أصول الفقه*، محقق: محمد محمد تامر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۷. شافعی، محمد بن ادريس (۱۳۸۸ش)، *الرساله*، محقق: محمد سید گیلانی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۸. شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، *رسائل*، قم: دار القرآن الکریم.
۱۹. شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۴۲۳ق)، *زبدۃ الاصول*، قم: مرصاد.
۲۰. ضیاءآبادی، محمد (۱۳۷۴ش)، *در جستجوی علم دین*، تهران: نیک معارف.
۲۱. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۰۹ق)، *العروه الوثقی*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *المستصفی فی علم الاصول*، محقق: محمد عبدالسلام عبدالشافی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۳. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *المحصول فی علم اصول الفقه*، محقق: عادل احمد عبدال موجود، علی محمد معوض، لبنان: المكتبه العصریه.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *العین*، محقق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم: نشر هجرت.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵ش)، *الکافی*، مترجم: محمد باقر کمره‌ای، قم: اسوه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۶۱ش)، *معارج الاصول*، محقق: محمد حسین رضوی، قم: موسسه آل‌البیت (ع) للطباعه و النشر.
۲۸. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۸ش)، *تخطئه و تصویب از نظر غزالی و اصولیین امامی*، جاویدان خرد، شماره ۱۰.
۲۹. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ نامه اصول فقه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۰. مشکور، محمد جواد (۱۳۸۶ش)، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ق)، *بحوث فقهیه مهمه*، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب.

۳۲. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، محقق: عباس قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۳. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق)، *فرق الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
۳۴. واعظ حسینی، محمد سرور (۱۴۱۷ق)، *مصباح الاصول*، قم: مکتبه‌الداوری.
۳۵. ولایی، عیسی (۱۳۸۷ش)، *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، تهران: نشر نی.